

بانوی اول خانه کیست

می‌گویند دختری ازدواج کرد و به خانه شوهر رفت، ولی با مادرشوهرش کنار نمی‌آمد و هر روز با هم جر و بحث می‌کردند. عاقبت دختر سمی تهیه کرد تا به او بدهد.



می‌گویند دختری ازدواج کرد و به خانه شوهر رفت، ولی با مادرشوهرش کنار نمی‌آمد و هر روز با هم جر و بحث می‌کردند. عاقبت دختر سمی تهیه کرد تا به او بدهد.

جام جم سرا:

دختر باید هر روز طبق سفارش داروساز مقداری از آن را در غذای مادرشوهر می‌ریخت تا سم کم‌کم در وی اثر کند و در این مدت با او مهربان بود تا کسی شک نکند.

هفته‌ها گذشت و با مهر و محبت عروس، اخلاق مادرشوهر هم بهتر شد تا آنجا که یک روز دختر نزد داروساز رفت و به او گفت: آقای دکتر عزیز، دیگر از مادرشوهرم متنفر نیستم. حالا او را مانند مادرم دوست دارم و دیگر دلم نمی‌خواهد بمیرد. خواهش می‌کنم داروی دیگری به من بدهید تا سم را از بدنش خارج کند. داروساز لبخندی زد و گفت: دخترم، نگران نباش.

آن معجونى که به تو دادم سم نبود، بلکه سم در ذهن خود تو بود که حالا با عشق به مادرشوهرت از بین رفته است.

شیوه دیرینه

اختلاف با مادرشوهر در فرهنگ‌های بسیاری از مردم جهان به یک کلیشه اجتناب‌ناپذیر بدل شده که عروس‌ها را از همان ابتدا از مادرشوهر می‌ترساند. حقیقت این است که نه مادرشوهرها به آن غیرقابل‌تحملی مادرشوهر داستانی هستند که خواندید و نه عروس‌ها آنقدر سنگدل، اما نکته مهم آن است که با هرکسی مهربانی و مدارا کنید، شک نداشته باشید که جواب می‌گیرید. این فکر ترسناک که بزودی دچار انتقام‌جویی مادرشوهر می‌شویم، آنقدر در دختران جوان ریشه دوانده که گاه دچار پیشداوری می‌شوند.

سهیلا که یک زن سی و پنج ساله است، در این باره می‌گوید: دختر بیست ساله‌ای بودم که یکی از هم‌دانشگاهیانم به خواستگاری‌ام آمد. وقتی مادرش شروع کرد به سوال کردن، خیس عرق شده بودم. آنقدر سرخ شده بودم که دلم می‌خواست هر لحظه از نزد مهمان‌ها بروم. فکر نکنید سرخی من از خجالت بود، من عصبانی بودم. فکر می‌کردم او می‌خواهد همه چیز را به هم بزند. او می‌گفت: دختر دانشجو چطور می‌خواهد شوهرداری کند؟ کاش می‌گفتمم خدا بزرگ است، اما بعد از همه سوالاتش وقتی این را شنیدم، از کوره در رفتم و گفتم: تا حالا که توی خانه دانشجویی از شما دور بود، چه کسی از او مراقبت می‌کرد؟ اگر ازدواج کند که یکبارہ بی‌دست و پا نمی‌شود.

بعد هم از عصبانیت از اتاق رفتم و گفتمم اصلا نمی‌خواهم ازدواج کنم. آنها هم ناراحت شدند و رفتند. بعدها من عذرخواهی کردم و به او گفتم: از شما ترسیده بودم.

اما حالا با مادرشوهرم رابطه خوبی دارم و بدون مشکل و البته دور از هم زندگی می‌کنیم.

او همیشه هست

تینا بقایی، مشاور خانواده می‌گوید: مادرشوهر تنها زنی است که همیشه در زندگی شما هست. چه قبل از شما و چه بعد از شما، چه در قید حیات باشد چه نباشد، به هر حال تاثیر مستقیم و غیرمستقیم او زندگی شما را تحت تاثیر قرار خواهد داد. بنابراین بهتر است یاد بگیرید چطور با او کنار بیایید.

وی می‌افزاید: بعضی مادرشوهرها دوست داشتنی و شیرین هستند. این دسته از مادر شوهرها زندگی خود را با همه تلخ و شیرین‌هایش پشت سر گذاشته‌اند و تصمیم گرفته‌اند سختی‌هایی را که خود متحمل شده‌اند، بر زن دیگری روا ندارند. اگر چنین مادرشوهری دارید، به نیابت از بقیه عروس‌ها باوی حق شناسانه رفتار کنید و از خلق خوش وی سوءاستفاده نکنید. این مشاور می‌گوید: گروه دیگری هستند که یا خاطرات بدی از دوران عروس بودن خود دارند و می‌خواهند تلافی آن را سر عروس‌شان در آورند یا فکر می‌کنند عروس‌شان دارد پسرشان را که مهم‌ترین دارایی آنها به حساب می‌آید، از چنگشان درآورد و سعی دارند از حقشان دفاع کنند.

آنها ممکن است عروس‌شان را زنی بی‌دست و پا و بی‌کفایت فرض کنند که نمی‌تواند همسرش را بدون رهنمودهای او خوشبخت کند یا اصلا فکر کنند عروس جدید در شان خانواده آنان نیست.

این پنبه سر می‌برد

تنها پنبه‌ای که واقعا سر می‌برد، زبان نرم است. بقایی، روان‌شناس می‌گوید: مادر شوهرتان احتمالا می‌ترسد پسرش را از دست بدهد، قبل از این‌که او بخواهد مداخله کند، شما پیش‌قدم شده و همسران را با او شریک شوید مثلا بگویید: مادرجان! بی‌تردید هیچ کس مثل شما ذائقه همسر را نمی‌داند چه چیزی درست کنم که دوست داشته باشد؟

غذای مورد نظر را زیر نظر او یک بار درست کنید یا به عنوان وردست در آشپزخانه‌اش اصولی را که حتی ممکن است بلد باشید، دوباره بیاموزید. بگذارید او هم پز بدهد که عروسم از من آشپزی یاد گرفت. قبل از این‌که بخواهد از دستپخت شما ایراد بگیرد،

گاهگاه نمونه‌ای به تعارف برایش بیاورید و بگویید: شاگرد خوبی بوده‌ام؟ لطفا ایرادش را بگیرید. قطعا در زندگی شما امکانات بیشتری هم برای این نوع رفتار وجود دارد که به ابتکار شما بستگی دارد. هیچ وقت نزد مادرشوه‌ر با همسران بحث نکنید و با شوه‌ر و مادر شوه‌رتان محترمانه برخورد کنید و بدانید حتی اگر مقابل او به شوه‌رتان اعتراض کنید، به او برمی‌خورد. از مادرشوه‌ر خود نیز نزد همسران گله نکنید. می‌خواهید با او چه کند؟ نامش را از شناسنامه‌اش خط بزنند؟ فقط اگر متوجه شده‌اید هیچ شیوه‌ای کارساز نیست، روابط خود را محدود کنید. هرگز عصبانیت خود را از همسران جلوی مادرشوه‌ر نشان ندهید زیرا او را با خود دشمن خواهید کرد.

به مادرشوه‌رتان با مناسبت یا بی‌مناسبت هدیه بدهید و اگر فرصت ملاقاتش را ندارید، در فواصل معین بدون این‌که همسران حضور داشته باشد به او زنگ بزنید و گپی دوستانه داشته باشید بی‌آن‌که اسرار زندگی‌تان را بر ملا کنید.

پیش از این‌که داوطلب شود، او را دعوت کنید به خانه‌تان بیاید و حتی گاهی همسران را تشویق کنید زمانی را فقط خودش برای ملاقات با خانواده‌اش برود تا مادر و فرزند اوقات خوشی را با هم سپری کنند.

از نکات مثبت مادر شوه‌رتان تعریف کنید و حتی پشت سرش نزد همسران از او خوب بگویید.

سعی کنید خود را جای او بگذارید و رفتارهای او را بهتر درک کنید. (ماندانا ملاعلی/ضمیمه چارادیواری/جام جم)